

## اول یوحنا ۲: ۲۷

### رابرت رُتول

وقتی مشایخ در اولین کلیسای ریفرمد شنیدند یکی از معلمان قدیمی مطالعه‌ی کتاب مقدس در خانه، به شرکت کنندگان در جلسات مطالعه‌ی کتاب مقدس خود می‌گوید که عیسی وجود الهی است اما از نظر قدرت، جلال و اقتدار با پدر برابر نیست، او را به جلسه دعوت کردند تا به نظرات او بپردازد. برای چندین ساعت، بزرگان از منبع درک آن مرد جويا شدند و با حوصله تلاش کردند تا نظر او را اصلاح کنند. آن‌ها کتاب مقدس را تفسیر کردند - معنای آن را در زمینه‌ی اصلی آن آشکار کردند - و به اعتقادنامه‌های مفصل کلیسا که اشتباهات او را بیان می‌کردند اشاره کردند. باین حال آن مرد متقاعد نشد. حتی زمانی که آن‌ها نشان دادند که بزرگترین معلمان از هر سنت الهیات مسیحی دیدگاه‌های آن مرد را انکار و تمامیت خدایی عیسی را تأیید می‌کنند، نظر این مرد هیچ تغییری نکرد. او نهایتاً با اشاره به اول یوحنا ۲: ۲۷، این‌گونه پاسخ داد که آنچه همه‌ی معلم‌های بشری فکر می‌کنند هیچ اهمیتی ندارد. او مسح روح القدس را داشته و «نیازی ندارد که کسی [به او] تعلیم دهد». روح به او نشان داده که کلیسای تاریخی مسیحی در مورد هویت مسیح اشتباه می‌کند و او باید برخلاف آنچه مسیحیان همیشه به آن معتقد بوده‌اند تعلیم دهد.

همه‌ی ما با افرادی که چنین بدعت آشکاری را با توسل به مسح روح توجیه کرده‌اند روبرو نشده‌ایم. اما بیشتر ما احتمالاً با افرادی مواجه شده‌ایم که با توسل به این قسمت، باورهای کمتر مشکل‌ساز اما همچنان اشتباه را که با متن کتاب مقدس بیگانه هستند توجیه کرده‌اند. معنای این آیه به نظر می‌رسد حداقل به این معناست که معلمان بشری بیهوده هستند. شاید خودمان برای توجیه تفکرمان چنین چیزی را خواسته‌ایم. اما آیا چنین طرز فکری قابل قبول است؟

در عصر— ما که دوران ذهن‌گرایی است، مردم خیلی سریع ادعا می‌کنند که بینش آن‌ها در مورد یک متن کتاب مقدس یا سایر موضوعات روحانی مستقیماً از روح القدس سرچشمه گرفته است و آن‌ها به نشستن پای تعلیم هیچ معلم بشری نیازی ندارند. چنین افرادی وقتی به اول یوحنا ۲: ۲۷ متوسل می‌شوند تا ثابت کنند که معلمان بشری کاملاً غیر ضروری هستند، طعنه‌ی درون آن را درک نمی‌کنند. از این گذشته، یوحنا که این آیه را نوشت، خود یک معلم بشری بود. مطمئناً او با الهام از خدا می‌نوشت، اما هنوز هم یک انسان بود، یک معلم بشری. بسیار عجیب است که یک معلم بشری، در جریان آموزش به دیگران، ادعا کند که معلمان بشری غیر ضروری هستند. این حرف تعلیم خود او را بی‌معنی و بی‌مفهوم جلوه می‌دهد. اگر او به مردم می‌گوید که به گوش دادن به او، یک معلم بشری، نیازی ندارند، چطور او انتظار دارد کسی به خودش گوش دهد؟

البته پاسخ باید این باشد که یوحنا به ما نمی‌گوید از شر همه‌ی معلمان بشری خلاص شویم. چنین ادعایی علاوه بر اینکه تعلیم خود او را به اتلاف وقت تبدیل می‌کند، او را در تقابل با رسولان دیگر نیز قرار می‌دهد، زیرا آن‌ها استدلال می‌کنند خدا معلمان بشری را به کلیسای خود داده است تا ما را در ایمان به بلوغ برسانند (افسیان ۴: ۱۱-۱۶). اما اگر یوحنا نیاز به معلمان بشری را انکار نمی‌کند پس در این قسمت چه می‌گوید؟

یوحنا این‌ها را برای مخاطبانی نوشت که توسط معلمانی که ادعای بینش ویژه‌ای در مورد راه‌های خدا داشتند که سایر ایمان‌داران از آن برخوردار نیستند به ستوه آمده بودند. آن‌ها به مخاطبان این نامه گفته بودند که به غیر از وساطت رسولان، خدا مستقیماً با خود این معلم‌ها صحبت کرده تا به آن‌ها بگوید که مسیح بدن انسان را نپذیرفته است، که کمال عاری از گناه در این زندگی ممکن است، و خطاهایی دیگر. (در اول یوحنا ۱ توجه کنید که چگونه یوحنا با تأکید بر اینکه رسولان مسیح تجسم یافته را لمس کردند، دیدند و شنیدند و با تأیید اینکه اگر گوییم گناه نداریم خود را گمراه می‌کنیم، در برابر این خطاها آموزش می‌دهد.) این معلمان جامعه‌ی

مسیحی را به دو دسته تقسیم کرده بودند. دو گروه: «دارای روحانیت»، مردان و زنان با دانش پنهان و بینش روح، و «عاری از روحانیت»، اکثریت قریب به اتفاق ایمان‌دارانی که چنین درکی ندارند.

کسانی که به اصطلاح دارای روحانیت بودند کار کلیسا را مختل می‌کردند و سعی می‌کردند مخاطبان یوحنا را فریب دهند (۲: ۲۶). بنابراین، یوحنا در اول یوحنا ۲: ۲۷ تأیید می‌کند که مخاطبان او نیازی به گوش دادن به این معلمان دروغین ندارند. ادعای آن‌ها مبنی بر مسح خاص و بینش حقیقت مسیحی درست نبود، و در هر صورت هر مسیحی واقعی مسح روح القدس را دارد، بنابراین آن‌ها به کمک افرادی که ادعا می‌کنند مسح آن‌ها خاص‌تر از بقیه است نیاز ندارند.

یوحنا نمی‌گوید: «همه‌ی معلمان بشری را فراموش کنید.» او فقط می‌خواهد مسیحیان بفهمند که خودشان روح القدس را دارند و این روح به آن‌ها در مورد حقیقت مسیح شهادت خواهد داد. اما این حقیقت مسیح بدون شهادت وابسته به رسولان، که چیزی بیشتر یا کمتر از کتاب مقدس نیست، به ما نمی‌رسد. خداوند به افراد خاصی شفافیت اندیشه و بیان عطا می‌کند تا کلام خدا را در زمینه‌ی اصلی آن درک کنند و سپس برای دیگران توضیح دهند. اما هیچ‌یک از ما به معلم بشری نیاز نداریم که ادعا کند نوعی متفاوت از مسح که روح به ما عطا می‌کند را دریافت کرده است. او قلب و ذهن همه‌ی قوم خود را هنگامی که به کلام نوشته شده‌اش توجه کنند روشن می‌کند.

**رابرت رُتول**، دستیار سردبیر مجله تیبِل تاک، نویسنده‌ی ارشد خدمات لیگونیر، و استادیار مقیم در ریفورمیشن بایبل کالج در سنفورد، فلوریدا است.

این مقاله در مجله [تیبِل تاک](#) منتشر شده است.